

خیابان ۳۵

زنده باد مقاومت مردمی علیه دیکتاتوری

نوشته ها، مشاهدات، مقالات خود را برای ما به این آدرس بفرستید

xyaban@gmail.com

برای اشتراك روزانه با این آدرس الكترونيكي تماس بگيريد

khyaboon@gmail.com



شنبه ۱۷ مردادماه ۱۳۸۸



جنگ افزارهای شیمیایی علیه شهروندان

داد. فاشیسم هیتلری نیز از مواد شیمیایی علیه شهروندان یهودی و ملیت های شرق اروپا استفاده کرد. دولت های سرمایه داری غرب نیز اینگونه جنگ افزارهای شیمیایی را به دولت های جهان سوم به کرات فروخته اند تا در جنگ های منطقه ای علیه همسایگان خود استفاده کند. (برای مثال جنگ افزارهای شیمیایی به کار رفته توسط دولت عراق علیه ایرانیان و شهروندان مناطق کردنشین عراق از آلمان خریداری شده بود). اما فاشیسم جمهوری اسلامی از جنگ افزاری شیمیایی برای مقابله با تجمعات و تظاهرات های شهروندان تهرانی استفاده می کند.

اما چرا؟ پاسخ چندان دشوار نیست. مسأله بر سر آن است که در ایدئولوژی فاشیستی حاکم بر جمهوری اسلامی انسان مادون هرچیزی است و در ماوراء و مافوق، موهومات استعلائی قرار دارند. بنابراین اگر برای مثال در ایدئولوژی ناسیونالیستی نظامی همچون آلمان هیتلری، یهودیان، لهستانی ها، روس ها، اسلاوها و بسیاری دیگر از ملل انسان شمرده نمی شدند و تنها نژاد غربی به عنوان انسان تلقی می شد و، اما در ایدئولوژی مذهبی حاکمان جمهوری اسلامی، همه انسانها با یکدیگر برابرند، اما به عنوان جسمی پر از گناه و ناپاک، که تنها در صورت رام شدن در برابر نیروهای مذهبی، به مقامی قابل اعتنا بدل می شود. در نتیجه حتی شهروندان پایتخت نیز اگر از اجرای فرامین نماینده خدا بر زمین سرباز زنند، همچون هر دشمن دیگری مستحق نابودی اند. اگر با باتوم و گلوله نشد، با گازهای شیمیایی و اگر آن هم نشد احتمالاً با بمباران هوایی.

یک پزشک اظهار کرده است که نیروهای امنیتی و گاردهای سرکوب و کشتار حکومت در روزهای اخیر از نوعی ماده شیمیایی جنگی برای مقابله با تظاهرات های خیابانی استفاده می کنند که پیش از این فقط در جنگ ها به کار گرفته شده است. او نوشته است:

«دیروزه اورژانس مصدومانی را آوردند که می گفتند در اثر گازاشک آور اینگونه شده اند اما علایم بالینی آنها باعلایم جنرال مصدومین گاز اشک اورم تفاوت بود. مصدومین روزهای گذشته (۱۲ مرداد) از سوختگی شدید رنج می بردند اما مصدومین دیروز تحریکات جلدی زیادی نداشتند و بعد از انجام آزمایش در خون آنها مقادیری فنیل آنالین؛ نیتريت و گوگرد دیده شد و سطح اوره خون را چشمگیر نشان می داد فکر می کنم پلیس ضدشورش از مواد جدیدی استفاده می کند. امروز با یکی از دوستانم که قفسه ی سینه - سردرد شدید - سرگیجه - دو بینی و تاری دید - خستگی جدید غش کردن و یک مورد هم تشنج(به این نتیجه رسیدیم که حدسم درست بوده و این اثر فقط یک نوع گاز جنگی است که فقط در جنگ و آن هم در هوای بالای ۲۷ درجه کاربرد دارد»

استفاده از یک نوع جنگ افزار شیمیایی علیه شهروندان احتمالاً در تاریخ بی سابقه است و افتخار آن نصیب حکومت الهی جمهوری اسلامی شده است. البته دولت عراق نیز علیه شهروندان کرد چنین جنایتی را در ابعاد وحشتناک و غیرقابل تصور انجام داد که به یک قتل عام بزرگ منجر شد. فاشیسم بعثی اما نژادپرست نیز بود و چنین اقدامی را به صورت سازمان یافته علیه قوم کرد انجام

شهر و انقلاب

امیرک.

شهرنشینی در ایران سابقه ای طولانی دارد. اما شهر باستانی ایرانی با شهر مدرن تفاوت هایی بنیادین دارد. شهرهای بزرگ در ایران همواره متکی بر دو پایه بوده اند. بازرگانی و دیوانسالاری. گذر جاده ابریشم از ایران به شکل گیری مراکز شهری بزرگی انجامیده بود که مراکز بزرگ تجاری و بازرگانی در دنیای قدیم بودند. بازار یکی از دو رکن شهر باستانی ایرانی بود که در آن اجناس و امتعه عرضه می شدند و حجره های بازرگانان بزرگ را در خود جای می دادند. رکن دیگر شهر قدیمی، ارگ شهر بود. محل تمرکز دیوانسالاری دولتی، پهنه ی وسیع کشور و شیوه خاص تولید آسیایی محتاج شکل گیری و بقای یک دیوانسالاری عظیم دولتی بود که نقاط تمرکز خود را در ارگ شهرها می یافت. نیروی کار جامعه در روستاها زندگی می کرد و یا در خیمه هایی متحرک، در بیلاق و قشلاق در نوسان بود.

نیروی محرک در دگرگونی های سیاسی معمولاً نیروهای متحرک و جنگجوی قبایل مختلف بودند که با فتح ارگ پایتخت، حکومت سیاسی را دست به دست می کردند. خارج از کشمکش طوفانی قدرت در سطح حاکمان، بطن جامعه بی تغییر باقی ماند. آن زندگی اجتماعی که در سفرنامه ناصرخسرو تصویر می شد، تفاوت چندانی با شهرهای هزاره ی بعدی ایران، در آستانه ی مشروطیت و در سفرنامه ابراهیم بیگ، ندارند. شهر باستانی ایرانی، نیروی محرکه ی رشد و تکامل جامعه نبوده است.

جهان جدید اما از درون شهرهای اروپای غربی طلوع کرد. شهر مدرن با مجموعه ی درهم تنیده ای از نیازها و نیز رویاهای شیوه ی نوین تولید جامعه گره خورده بود. تمرکز شدید نیروی کار در کارخانه های بزرگی که در شهرها سر بر می آوردند، تمرکز مراکز انباشت و آموزش و گسترش علم و فرهنگ و هنر، تراکم تجربه های نو، و تمرکز و تراکم سرمایه از یکسو، و طبقه کارگر از سوی دیگر، شهر مدرن را به قلب تپنده جامعه جدید مبدل کرد. شهر دیگر زالوی جامعه نبود، بلکه به منبع حیات و سرزندگی جامعه بدل گشته بود. نیروهای محرکه ی انقلابات سیاسی عصر مدرن از مفاک شهر به خیابان ها می آمدند و جهان جدید را در دل مبارزات خود تراش دادند.

در ایران اما با وضعیتی دیگرگونه مواجه بوده ایم. در انقلاب مشروطه، تهران بیش از آنکه شهری مدرن باشد، یک شهر خصلت نمای باستانی ایران بود. محل تمرکز دیوانسالاری دولتی و بازار سنتی، که با جمعیتی که بر روی زمین های کشاورزی کار می کردند احاطه شده بود. شاید بتوان گفت تنها شهر واقعی در عصر مشروطه تبریز بود. با نشریات ادبی پیشرو، مدارس سبک اروپایی، تماس های گسترده با فرهنگ غرب، و نیروی کاری که به صورت فصلی برای کار در کارخانه ها و مراکز صنعتی بین تبریز و قفقاز در آمد و شد بودند. اتفاقی نیست که پیشروترین و مترقی ترین گرایشات انقلاب مشروطه ریشه در شهر تبریز داشتند. اما نیروهای تعیین کننده در مشروطه نیروهای غیرشهری بودند. از تفنگداران خان های قشقایی گرفته تا ملاها و هواداران روستایی منش آنها، تا بازاریان سنتی و ملاکین.



رو گذر و زیرگذر به اشغال مزدوران در آمده بود. با این که مردم حرکتی نمی کردند کلافه و عصبانی بودند. احتیاجی نبود خیلی دقت کنی از کنارشان که می گذشتی غرولندها را می شنیدی. از تمام کلاتری ها در حد فاصل ولیعصر تا ونک نیرو به خط کرده بودند از کلاتری جماران گرفته تا منبریه و شهدا.

در میان تمام این فرار و فروها، تجمعات، روزهای با شعار و بی شعار آنچه قابل توجه است روحیه مردم است که به یکدیگر لیخنند می زند نیروهای تا بن دندان مسلح را نشان می دهند و ترس آن ها را از نیروی مردم به یکدیگر یادآوری می کنند. عوامل نفوذی که در میان خود شناسایی می کنند را با طعنه و تحقیر نشان می دهند. کسی خسته نیست. زن میانسالی را دیدم از بسیجی ها در مورد ادوات جنگی بسیجی ها سوال می کرد حرفی برای گفتن نداشت.

این هم از روز تحلیف. به ازای هر نفر پیاده چند نفر پلیس. این گونه تجمع پلیس از روز ۲۳ خرداد کاملاً بی سابقه بود. رژیم دیگر همه چیز خود را رو کرد. فقط پای تانک هایشان هنوز به خیابان ها باز نشده که بعید نیست به زودی با تانک در برابر مردم بی سلاح به تنگ آمده ظلم و جنایت صف آرایی کنند.

میدان بهارستان
صبح ۱۴ مرداد

مردم محل دیده بودند که نیروهای امنیتی از ساعت ۶ صبح در بهارستان مستقر شده بودند. از ساعت ۹ صبح سیل جمعیت به سمت مجلس روان بود و با این که ساعت کاری بود مردم زیادی جمع شده بودند. از ۵ ایستگاه مانده به بهارستان میادین مملو از پلیس و لباس شخصی بود مترو بهارستان بسته بود. پمپ بنزین های اطراف تعطیل بود. نیروهای امنیتی به هرکس از زن و مرد مشکوک می شدند با خود می بردند. اصلاً به مردم اجازه یکجا ایستادن را نمی دادند. اتوبوس های حامل نمایندگان مجلس که از خیابان گذشت با هو ممتد مردم و شعار مرگ بر دیکتاتور همراه شد که بلافاصله اشک اور زدند. سریع به مردم حمله کردند و چند نفر را دستگیر کردند. دیگر علنی فیلم برداری کردن برای مردم عادی شده و کسی صورت خود را نمی پوشاند. جمعیت زیادی که از سمت ۱۵ خرداد می آمد خبر آورد انجا هم درگیری شده و مغازه ها را تعطیل کردند. هرچه به ظهر نزدیک تر می شد تجمع نیروها بیشتر می شد. چند هزار پلیس را در بهارستان مستقر بود و همینطور هم به جمع شان اضافه می شد.

عصر تمام میادین شهر، تمام خیابان های اصلی و پل های

در ستایش عمل مسقیم

آدام میچنیک (فیلسوف لهستانی)

ترجمه از کتاب: **Wobblies & Zapatistas**

کارهایی را انجام بده که فکر می کنی باید انجام شوند.

طوری باش که فکر می کنی جامعه باید باشد.

به آزادی بیان باور داری؟ پس آزادانه حرف بزن.

به حقیقت عشق می ورزی؟ پس حقیقت را بگو.

به جامعه ی باز باور داری؟ پس در فضای باز عمل کن.

آیا به جامعه ی شایسته و انسانی باور داری؟ پس شایسته و

انسانی عمل کن.



در دادگاه های مردمی
-برخورداری از حقوق اتحادیه ای تمام عیار برای همه کارگران و کارمندان
-نه به خصوصی سازی امکانات ملی و نه به آزادی بازار و قیمتها و برداشتن سوبسید بر مواد غذایی
-سازماندهی گروه های دفاعی در هر کارخانه و محله ای

-آزادی و برابری همه جانبه ی همه زنان
-آزادی اقلیت های جنسی و پایان دادن به سرکوب آنان توسط عوامل رژیم

-سازماندهی مقاومت های مردمی علیه رژیم
-اعتصابات عمومی گسترده در کل کشور
-استقلال تصمیم گیری برای اقلیت های قومی
-برنامه ای گسترده برای تغییر وضعیت حاشیه نشینان و دادن امکانات مدرن به روستاییان محروم از طریق به طور مثال مالیات بر درآمد ثروتمندان جامعه

-مصادره ثروت های افسانه ای سرمایه داران بزرگ و در قرار دادن زمین در اختیار کشاورزان

-تشکیل یک حزب انقلابی به عنوان جزئی از انقلاب جهانی

-تلاش برای برقراری دولت کارگری

-تلاش در جهت همبستگی کارگران جهان با جنبش دموکراسی خواهی مردم ایران

شکل گیری تجمعات اعتراضی در مقابل سفارت رژیم ایران در کشور های مختلف و کمکهای مادی جهانی به جنبش کارگری ایران نیز از وظایفی است که بر دوش جنبش های کارگری در تمام دنیاست. این جنبشها می بایست شانه به شانه جنبش دموکراسی خواهی مردم ایران مبارزه کنند تا تلاش امپریالیسم را در تأثیر گذاری بر این جنبش به نفع خود و سوء استفاده از آن برای به کار آوردن سیستمی به مانند سیستم شاه سابق را خنثی کنند. و در یک حرکت جهانی این جنبش ها باید در پیوند قرار گیرند با مبارزات آزادی بخش فلسطینیان و مقاومت مردمی در لبنان و عراق.

یک رژیم طرفدار حقوق کارگران مجاز به استفاده از امکانات مادی به عنوان ابزاری تاکتیکی برای افزایش محبوبیت و تأثیر گذاری دولت خود نیست کاری که رژیم ارتجاعی احمدی نژاد انجام می دهد. یک رژیم طرفدار حقوق کارگر خود را جزئی از مبارزات جهانی در جهت احقاق حقوق ا فشار بی حقوق می داند و در این مسیر گام بر می دارد.

به امید یک خاورمیانه سوسیالیستی

سیمون هاردی

اتحادیه برای انترناسیونال پنجم

توضیح خیابان - این نامه از سوی اتحادیه برای خیابان جهت انتشار در نشریه ارسال شده است.

داوطلبانه و بدون مبارزه قدرتش را واگذار نمی کند. یک انقلاب بر ضد رژیم ارتجاع اسلامی و فلاکت سرمایه داری بدون شک همپیمانان نیرومند خود را نیز خواهد داشت. آتش این انقلاب دامن کل منطقه را فرا خواهد گرفت و امید و کمک بسیاری خواهد بود در کشورهایی مانند مصر، عربستان سعودی، اردن و غیره برای غلبه بر رژیم های فاسد و خطرناکشان.

شاید این هدف غیر ممکن و دور از دست رس به نظر برسد ولی اینطور نیست. ردپای انقلاب در خیابانهای ایران دیده می شود. این تظاهرات و این خیل تظاهرات کنندگان شروعی است بر یک انقلاب چه اگر غیر از این می بود. این میزان ترس و نفرت رژیم از معترضین بی معنی بود. و به همین خاطر است که موسوی از پشت صحنه سعی در کنترل اعتراضات و بازداشتن آن برای عبور از مرزهای کنترل خود را دارد.

رخداد این انقلاب به شکل خودجوش خیلی بعید به نظر می رسد. آنانی که در اندیشه و آرزوی چنین انقلابی هستند نیاز به سازماندهی خود دارند تا بتوانند این جنبش زنده را به دست گیرند و به جهت مطلوب خود سوق دهند. به زبان دیگر آنچه در این شرایط لازم به نظر میرسد تشکیل یک حزب انقلابی است که آگاه است به نقش خود و راههای صحیح عمل در این شرایط. و امروز نیاز به وجود چنین حزبی ضروری تر از هر زمان دیگری به نظر می رسد و گر نه بیم ضعف و خاموشی آن و به دست گرفتن ابتکار عمل از سوی ارتجاع، می رود. و در این صورت هر چه رشته شده تا کنون، پنبه خواهد شد.

در وضعیت کنونی، توجه به مسائل امنیتی بسیار مهم و تعیین کننده است با علم به این موضوع، تشکیل جلسات سری در تمام کشور توسط فعالین و ارتباط گیری آنها با با طبقه کارگر برای معرفی برنامه دموکراتیک، اقتصادی و انقلابی خود، ضروری به نظر می رسد. تغییرات بنیادین اجتماعی بدون سازماندهی در غالب یک حزب امکان پذیر به نظر نمی رسد و تنها در حد یک اعتراضات پراکنده دانشجویی که هر از سالی در مقابل این رژیم سر بلند می کند و در آخر نیز با اسلحه و باتوم آن خاموش می شود، می ماند. در این شرایط تغییر رابطه قدرت به نفع کارگران و جوانان رادیکال از عهده یک حزب انقلابی زیر زمینی بر می آید.

چنین حزبی، به عنوان پیشنهاد، می تواند حول خواست های زیر سازمان یابد:

-نه خامنه ای و احمدی نژاد و نه موسوی، رفسنجانی و خاتمی

-طبقه کارگر نباید دوبناله روی این فراقسیون یا آن دیگری در درون حاکمیت باشد. این طبقه می بایستی اهداف اجتماعی و دموکراتیک خود را دنبال کند.

-آزادی تمام زندانیان سیاسی و مبارزین سندیکاها

-آزادی حق تجمع و تظاهرات

-آزادی رسانه ها و مطبوعات کاغذی و الکترونیکی

-انحلال کامل نیروهای سرکوب و محاکمه قاتلین مردم

از کانال یک انقلاب می گذرد. به عقیده لنین آنان که یک انقلاب نیمه کاره می کنند در واقع هیچ انقلابی نکرده اند بلکه تنها گورهای خود را کنده اند و این مسأله ای است که در مورد ایران باید مورد توجه قرار گیرد. طبقه کارگر مهمترین نیروی اجتماعی است که می تواند به براندازی رژیم همت گمارد. همان نیرویی که شاه را سرنگون کرد اما نتوانست در طول مبارزه خود را به شکل سازمان یافته بسیج کند. اما چرا کارگران و چرا سرنگونی؟

اگر تنها خواست جنبش کنونی ایران دادن شانس به موسوی برای انتخاب شدن باشد، چه عاید طبقه کارگر در این میان خواهد شد؟ یادآوری آنچه در حق سوسیالیست ها در دهه ۸۰ روا شد، بر این نکته واقفان می سازد که او هیچ دوستی برای طبقه کارگر نیست.

تنها شرط موفقیت در وضعیت کنونی، استقلال از جناحهای رژیم است. با تمام اختلافاتی که مابین خامنه ای و احمدی نژاد از سویی و رفسنجانی و موسوی از دیگر سوی وجود دارد، خواست مشترک آنها حفظ نظام و قدرت روحانیت بر مردم است. هر دو به سمت یک نظام سرمایه داری در حرکتند و هر دو موافق خصوصی کردن امکانات دولتی هستند. وعده حیدری کرد زنگنه، مشاور اقتصادی احمدی نژاد و مسئول بخش خصوصی سازی دولت، در رقابتهای انتخاباتی این بود: «اگر من تا دو سال آینده در این مسند باشم ۸۰ تا ۹۰ درصد دولت فروخته خواهد شد.» (Iran Daily ۱۲/۲ ۲۰۰۸)

تنها خواستی که مبارزه طبقاتی را فعال می کند، می تواند این رژیم را سرنگون کند. سیستمی را که به کار استثمار اکثریت جامعه است و همزمان از طرف گروههای درون خود حمایت می شود. البته نقطه شروع یک مبارزه انقلابی، مبارزه برای دموکراسی است اما همزمان برای نیرومند کردن مبارزه و عمق و گسترش آن به نیروی طبقه کارگر نیاز است. و این به دان معناست که در کنار خواست دموکراسی خواهی، خواست های مهم کارگران را نیز مطرح کرد که از جمله آنها حقوق، شرایط و رابطه کاری و حقوق اتحادیه ای است. از طریق به کار گیری نیروی رادیکال مبارزه طبقاتی و متدهایی چون بسیج عمومی، اعتصابات و اشغال، طبقه کارگر می تواند به نیرویی موثر و مهمترین نیرو در مبارزه بدل شود.

سوالات چالش بر انگیز اعتراضات کنونی این است که چه کسی جامعه را اداره می کند و قدرت دست کیست؟ و این نقطه شروعی است که به مدد یک تلاش جدی از جانب طبقه کارگر میتوانند منتهی به بدست گیری قدرت و پیروزی بر بخشهای در حال فروپاشی طبقه متوسط شود و بتوانند طبقه پایین جامعه در روستاها و بخشی از نظامیان را جذب خود کند و این مستلزم شکل گیری یک مبارزه جدی برای آینده ایران است. تنها در یک صورت می توان بر نیروی نظامی نظام فائق شد و آن انقلاب است.

تشکیل شوراهای و اعتصابات عمومی نیرویی را ایجاد خواهد کرد که می تواند کل سیستم حاکم را به زانو آورد. شکل گیری شوراهای مختلف در سطوح مختلف از محلی تا کشوری برای هماهنگی مبارزه لازم به نظر می رسد. تنها چنین شورایی است که قابلیت برگزاری یک انتخابات واقعاً آزاد برای بوجود آوردن یک جمع که نماینده واقعی اکثریت است و توانمند در تغییرات بنیادین را داراست و در طول این دوره وظیفه مبارزین انقلابی و کارگران مبارزه علیه سرمایه داری و جایگزینی آن با سوسیالیسم است.

اینگونه است که رژیمی پایه ریزی خواهد شد که مردم سالاری آن واقعی است و از نیاز مردمش آگاه است. هیچ شکلی کمتر از یک انقلاب نمی تواند کنترل جامعه را به دستان کارگران و جوانان بسپارد. دولتی که بوجود می آید می باید مبتنی بر شورا باشد و از جانب کارگران حمایت شود و هدف اقتصادی چنین دولتی کنترل کامل صنعت، بخش اقتصاد، حمل و نقل و اداره و برنامه ریزی دموکراتیک آنهاست.

هیچ شکی در این وجود ندارد که کارگران و جوانان و کشاورزان برای به عینیت درآوردن و واقعیت بخشیدن به این امر میبایستی مبارزه کنند. هیچ طبقه ای به صورت

